

المُسْتَعَان

فِي

إِعْرَابِ الْقُرْآنِ

الجزء الثالث عشر و الجزء الرابع عشر

الحاد السابع

مَوْسُوعَةٌ صَرْفِيَّةٌ، نَحْوِيَّةٌ وَ لُغَوِيَّةٌ لِأَلْفَاظِ الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ
بِرَرَسِي صَرْفِيٍّ، نَحْوِيٍّ وَ لُغَوِيٍّ وَتَرْجُمَةً لِقُرْآنِ كَرِيمِ

عَرَبِيٍّ، فَارَسِيٍّ

تَأْلِيفُ:

الدكتور سيّد رضا نجفي

أستاذ جامعة إصفهان

نحفی، سید رضا، ۱۳۴۱-
المستعان فی اعراب القرآن / تألیف سید رضا نحفی
اصفهان: کتابنامه نجف، ۱۳۹۲-

سرشناسه:
عنوان و نام پدیدآور:
مشخصات نشر:
مشخصات ظاهری:
شابک:

ج ۴۲۶ ص.
دوره: 94070-5-0، 978-964-94070-5-0 ج ۱: 978-600-94815-5-2 ج ۲: 978-600-94815-2-1
ج ۳: 978-600-94815-4-5 ج ۴: 978-600-94815-8-3 ج ۵: 978-600-94815-9-0
ج ۶: 978-600-96673-0-7 ج ۷: 978-600-96673-6-9 ج ۸: 978-600-94815-3-8 ج ۹: 978-600-94815-6-9
فایا

وضعیت فهرست نویسی:
یادداشت:
یادداشت:
یادداشت:
یادداشت:
یادداشت:
مترجمان:

پشت جلد لاتینی شده: ... Sayed Reza Najafi. Al-Mosta'an fi erabe
ج ۲-۵ و ۱۳-۱۵ (چاپ اول: ۱۳۹۵ (فیا)).
کتابنامه.
نماینه.

ج ۱: جزء ۱، سورة الحمد وسورة البقرة - ج ۲: جزء ۳، سورة البقرة - سورة النساء - ج ۳: جزء ۵ و ۶ سورة النساء - سورة المائدة -
ج ۴: جزء ۷ و ۸ سورة المائدة - سورة اعراف - ج ۵: جزء ۹ و ۱۰ سورة مائدة - سورة نوبه - ج ۶: جزء ۱۳ و ۱۴ سورة يوسف - نحل -
ج ۷: جزء ۱۵ و ۱۶ سورة شوری تا ج ۱۴: جزء ۱۷ و ۱۸ سورة الفطرات الی التحريم - ج ۱۵: جزء ۱۹ و ۲۰ سورة الملک الی سورة
الناس.

قرآن -- صرف و نحو

Qur'an -- Grammar

قرآن -- اعراب

Qur'an -- *Diacritic

BPA۲/W/۲۴م ۱۳۹۲

۲۹۷/۱۵۳

۳۳۴ ۸۰۸

موضوع:
موضوع:
موضوع:
موضوع:
رده بندی کنگره:
رده بندی دیویی:
شماره کتاب شناسی ملی:



- نام کتاب: المستعان فی اعراب القرآن - المجلد السابع
- مؤلف: دکتر سید رضا نحفی
- صفحه آرا: عباسعلی ربانی
- نوبت چاپ و سال انتشار: چاپ اول - ۱۳۹۵
- شمارگان: ۱۰۰۰
- ناشر: کتابنامه نجف
- چاپ و صحافی: نگار اصفهان
- شابک جلد هفتم: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۶۷۳-۷
- شابک دوره ۱۵ جلدی: ۹۷۸-۹۶۴-۹۴۰۷۰-۵-۰

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

مرکز فروش: اصفهان، میدان آزادی، خیابان هزار جریب، فروشگاه کتاب جهاد دانشگاهی اصفهان

تلفن: ۰۳۱-۳۷۹۳۲۰۸۶

تماس با ناشر - مؤلف: ۰۹۱۳۱۱۵۰۶۱۸

پست الکترونیکی: rezanajafi84@yahoo.com

فهرست مطالب

۵	مقدمه
۱۱	سُورَةُ يُوسُفَ
۸۷	سُورَةُ الرَّعْدِ
۱۵۵	سُورَةُ إِبْرَاهِيمَ
۲۲۴	سُورَةُ الْحَجَرِ
۲۷۸	سُورَةُ النَّحْلِ
۴۲۳	فهرس المصادر و المراجع

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه

حمد و سپاس خدای تعالی را که قرآن را با بیان: ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾ از تحریف و تبدیل حفظ نمود و درود بی کران خدا بر پیامبر اعظم که وی را نذیر و رحمت و سراج منیر و هادی جهانیان قرار داد. مسلمانان و دانشمندان علوم اسلامی از صدر اسلام به حفظ قرآن در صدور و محافظت برآن در سطور همت گماردند و سلما در هر عصر و زمانه، برای کشف معانی قرآن و پرده برداشتن از رمز و رازهای آن و شناخت آن معانی بلند، بدان روی آوردند، بعضی به تفسیر آیات و احکام و اسباب نزول پرداختند و بعضی به تجوید و قرائت و بعضی به بلاغت قرآن و اعجاز بلاغی آن روی آوردند. همان گونه که بعضی برای دریافت عبرت‌ها، به قصص و امثال قرآن توجه نمودند، برخی نیز برای فهم لطائف و اشارات به اعراب قرآن و بیان مشکلات اعرابی یا صرفی و نحوی آن همت گماردند.

اعراب در لغت به معنای روشن شدن شک است و اعراب در اصطلاح نحویان عبارت است از روشن ساختن کلام برای مخاطب به گونه‌ای که در آن غلطی نباشد، این هشام اعراب را اثری ظاهر یا مقدر می‌داند که عامل در آخر اسم متمکن آشکار می‌شود. برخی مانند ابن‌مالک، اعراب را پدیده‌ای لفظی دانسته‌اند که به صورت حرکت، حرف، سکون یا حذف در آخر کلمه ظاهر می‌شود. اما بیشتر محققان، اعراب را پدیده‌ای معنوی دانسته‌اند که حرکات و سکونات دل بر آن است.

بر اساس معنای اصطلاحی، اعراب منحصر به صدای آخر کلمات است اما بر پایه‌ی معنای لغوی همه‌ی حروف کلمه، دارای وصف اعراب است. شاید بعضی از روایاتی که در باب به‌راگیری اعراب در زبان عربی دارد ناظر به همین معنی باشد؛ آنجا که نبی مکرم اسلام (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) فرمود: أَعْرَبُوا الْقُرْآنَ وَ التَّمَسُّوا غَرَائِبهَ، ظاهراً مراد از اعراب تلفظ صحیح و واضح الفاظ است و در روایت دیگری فرمود: أَعْرَبُوا الْكَلَامَ كَيْ تَعْرِبُوا الْقُرْآنَ. در این کلام نیز، مراد تلفظ صحیح حرکت آخر کلمه و هم تلفظ همه حروف و صداهای هر واژه می‌باشد.

غالباً حرکات اعرابی نقش اصلی را در تفاهم و بیان معنای مقصود گوینده بر عهده دارد، به گونه‌ای که هر گونه تغییر در اعراب به تغییر در معنای جمله می‌انجامد. از این رو اعراب هزار زبان عربی بوده است، اما دانش اعراب به ویژه اعراب قرآن از دامن قرآن کریم برخاسته و تاریخ آن به دوره پس از نزول قرآن بر می‌گردد.

بر پایه‌ی روایات مُتَقَنّ اسلامی، نخستین بار علام اعرابی، در قرآن کریم به کار رفته است، أَبُو الْأَسْوَد دُؤْلَبی (م. ۶۹ق) به اشاره امام علی (عَلَيْهِ السَّلَام) و با کمک یحیی بن یَعْمُر، آغازگر اعراب‌گذاری قرآن کریم بوده است. در نخستین اعراب‌گذاری به معنای تعیین صدای کلمات، که بسیار ساده و ابتدایی بود، از نقطه استفاده شد. برای علامت فتحه، نقطه‌ای در بالای حرف و برای کسره نقطه‌ای در زیر حرف و برای ضمه نقطه‌ای در جلوی حرف قرار دادند و برای تنوین از دو نقطه و با رنگ‌های مختلف استفاده شد. بی‌شک أَبُو الْأَسْوَد غرضی جز پیشگیری از خطای نو مسلمانان و حفظ زبان عربی نداشت، همان کسانی که در اثر فتوحات و در آمیختن با عجم بیم آن می‌رفت که زبانشان رفته رفته دچار انحراف گردد.

نقاهای عربی پس از حدود یک قرن به دست خلیل بن أحمد قُراهیدی (م. ۱۷۵ق) به صورت شکل‌های مختلف درآمد. و به تدریج به شکل امروزی تثبیت شد. در نیمه دوم قرن دوم رفته رفته با تحولی در اعراب قرآن مواج می‌شد، دانشمندانی همچون عبدالله بن ابی اسحاق، ابو عمرو بن غلاء، عیسی بن عُمَر ثَقَفی، یونس بن خبیب، لیل بن اَبی اسحاق، و ثعلبی، تغییرات و تحلیفات خود را در کتب خود "الکتاب" که نخستین کتاب در نحو عربی است، در این دوره سیبویه است؛ و در اثر گران سنگ خود "الکتاب" که نخستین کتاب در نحو عربی است، در ضمن تدوین قواعد نحو، به تبیین و تحلیل نقل نحوی کلمات قرآن پرداخته است. گفتنی است که سیبویه در "الکتاب" به ۴۱۳ آیه قرآن کریم در مباحث گوناگون نحوی استشهاد کرده است.

با ظهور سیبویه و اثر برجسته‌اش "الکتاب" مکتب نحوی بصره شکل گرفت؛ از جمله ویژگی‌های بارز این مکتب، قانونمند کردن قواعد نحو و روی آوردن به قیاس در نحو عربی است، و با این رویکرد قواعد منضبط، محدود و در نتیجه سهل و آسان شد. و در مقابل این مکتب، نمر بن حسان که به پیشوایی کسایی (م. ۱۸۹ق) پدید آمد، این گروه بیشتر به نقل و سماع توجه داشتند. به هر روی، پس از اعتبار بیشتری برخوردار گشت و تقریباً به عنوان نحو معیار، پیروان بیشتری را به خود جلب کرد. یکی از دلایل پیشتازی نحو بصره و تقدّم آن بر نحو کوفه، متهم شدن نحو کوفه به استناد و استدلال به لهجه‌های غیر فصیح بود در اواسط سده سوم هجری قمری، شاهد ظهور مکتب نحو بغداد هستیم که تلفیقی از دو مکتب نحو بصره و کوفه است. در حقیقت باید آن را حد اعتدال این دو مکتب دانست؛ دانشمندانی چون ابن خالویه، ابن دُرُسُویه، ابن جَنی، رَجَاح و زُحَیْشری به آن گرایش داشتند و دانشمندان مکتب اندلس، بیشتر به تدوین کتب دستوری زبان عربی اهتمام ورزیدند.

جایگاه و نقش مهم اعراب قرآن سبب شد که دانشمندان پس از قرن دوم به طور گسترده به تحقیق و تألیف در این دانش بپردازند، ظاهراً برای نخستین بار أَبُو جَعْفَر رُؤَاسی از اصحاب امام باقر (علیه السلام) و امام صادق (علیه السلام) هم که استاد کسایی و قُرّاء بود، کتابی به عنوان اعراب القرآن نگاشت.

طَبْرَسی اعراب قرآن را برترین علم از علوم قرآن معرفی کرده است، زیرا هر بیانی به آن نیازمند و کلید گشودن معنای عبارات است و بدون آگاهی از آن، مراد خدا ناممکن است. و بعضی مانند ابن هشام و سیوطی و زَرْکَشی اعراب را فرع بر فهم معنا می‌دانند و معتقدند نخست باید فهم صحیحی از آیات به دست آورد، سپس بر طبق معنا اعراب آیه را بیان کرد. این در حالی است که در موارد بی شماری فهم صحیح آیه بر نوع اعراب آن مبتنی است و موارد فراوانی نیز یافت می‌شود که اعراب مبتنی بر دریافت معنا و فرع آن است و این به سبب ویژگی زبان عربی، به ویژه زبان قرآن و نظم دقیق و حساب شده آن است که در موارد بسیاری به آیات، قابلیت وجوه نحوی و اعرایی گوناگون می‌دهد و مطابق با هر ترکیب و تحلیل، معنایی متناسب برداشت می‌شود. لیکن ما بر این باوریم که معنا و اعراب لازم و ملزوم یکدیگر هستند و در هنگام رجوع به عبارت باید همزمان در دو مد نظر قرار گیرد و فهم معنا به اعراب کمک می‌کند و اعراب در کشف معنا مفسر را یاری می‌رساند.

توجه به اعراب نزد دانشمندان مسلمان تا جایی فزونی یافت که اعراب قرآن به عنوان فنی مستقل در کتب ویژه جای گرفت، لیکن شمس‌الدین که به این فن شهرت یافتند همه در کارشان برابر نبودند، بلکه از جهات مختلف و با رویکردهای گوناگون، آن را از خود برجای گذاشتند. پس از رؤاسی بعضی مانند مکی بن ابی طالب القیس^(م ۴۳۷ق) به تفسیر اعراب قرآن پرداختند و بعضی مانند ابن الأبناری صرفاً به جانب غرب قرآن متمایل گشتند و برخی مانند رابیع^(م ۶۱۶ق) در کنایش به نام "إملاء ما من به الرحمن"، اعراب کل قرآن را بررسی کردند. مگر سرور^(م ۳۱۱ق) که آشکار باشد، ابواسحاق رَجَاج^(م ۳۱۱ق) در کتاب اعراب القرآن با تقسیمات خاص خود به اعراب قرآن روی آورده است و بعضی مانند قراء در کتاب "مغانی القرآن" و ابن جَنِّي^(م ۳۹۲ق) در کتاب "مُحْتَسَب" و ابن السَّكَنِی^(م ۳۹۵ق) در کتاب "حِجَّة" و نَحَّاس^(م ۳۳۸ق) در کتاب "اعراب القرآن" به گردآوری موارد دشوار اعراب و آراء پرداخته‌اند و دیگر کسانی که از قدما در اعراب القرآن، صاحب تألیف می‌باشند، عبارتند از: قُطْرُب^(م ۱۰۶ق) و خَاتَم السَّجِسْتَانِی^(م ۲۴۸ق)، و أَبُو الْعَبَّاسِ الْمُبَرِّد^(م ۲۸۶ق)، و أَبُو الْعَبَّاسِ ثَعْلَب^(م ۲۹۱ق)، و أَبُو الْعَبَّاسِ ثَعْلَب^(م ۲۹۱ق)، و أَبُو زَكْرِيَا تَبْرِيزِی^(م ۵۰۲ق).

و نیز به دانشمندان دیگری می‌توان اشاره کرد که اعراب قرآن را در ضمن کتاب تفسیر خود مطرح کرده‌اند، مانند محمود زَخَّشَرِی^(م ۵۳۸ق)، در کتاب "الکَشَاف"، و أَبُو حَتَّانِ الْأَنْدَلِسی، در کتاب "بَحْرُ الْمُحِیط"، حسن طَبْرَسِی در کتاب "مَجْمَعُ الْبَيَان". و در میان کتاب‌های تألیف شده در موضوع اعراب قرآن دو کتاب "اعراب القرآن" رَجَاج و "مَغْنِی اللَّیْب" ابن هشام، در شیوه نگارش با دیگر کتب متفاوت است؛ این دو کتاب مبتکر بحث موضوعی در زمینه اعراب قرآن می‌باشد. در حالی که کتاب‌های گذشته در

واقع به تحلیل اعراب کلمات و آیات مشکل قرآن به ترتیب سُوره‌ها و آیات روی می‌آوردند و در میان مؤلفات معاصر، دو کتاب "إعراب القرآن و بَيَانُهُ" از محی الدّین درویش و "المُدَوَّلُ فِي إِعْرَابِ الْقُرْآنِ وَ صَرْفِهِ وَ بَيَانِهِ" از محمود صافی از شهرت بیشتری برخوردار است.

اولین بار در دهه شصت با تولید نرم افزار قرآنی کوثر، به اعراب قرآن روی آوردم و در دهه هفتاد تولید نرم‌افزار بزرگ اعراب القرآن را آغاز نمودم که در سال ۱۳۸۱ به نتیجه رسید و به همت شرکت سروش وابسته به صدا و سیمای مرکز اصفهان تکثیر و توزیع گردید. پس از اقبال عمومی به آن نرم‌افزار و دریافت نتایج و بازخوردها و آگاهی از نظرات کاربران محترم، به فکر اصلاح و به روز کردن آن برآمدم و از آنجا که بعضی خواهان اِعراب قرآن به صورت کتاب بودند، کتاب: **المُسْتَقَان فِي إِعْرَابِ الْقُرْآنِ**، در پاسخ به این درخواست تهیه و به همه مشتاقان درک معانی بلند قرآن کریم تقدیم می‌گردد.

مشخصات این کتاب

در این اثر پژوهشی آمرزش که با پژوهشگران علوم قرآنی و طلاب علوم دینی به ویژه طلاب جامعه‌الزهراء (سلام الله علیها) و مطابق با سر فصل دانش جوان گروه‌های زبان عربی و الهیات و علوم قرآنی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی تدوین گشته، تدوین شده است که اعراب کلمات با توجه به معانی الفاظ و عبارات صورت گیرد و با تکیه بر وجوه شایع و رایج در بیان فصیحان عرب و قواعد دستوری از وجوه شاذ و نادر و اعراب‌های خلاف ظاهر و منافی با نظم کلام دوری گزیده شود و با پرهیز از کاربرد اصطلاحاتی که با شأن کتاب الهی ناسازگار است، در تبیین اعراب در چارچوب اصطلاحات و قواعد پذیرفته شده در صناعت صرف و نحو حرکت صورت پذیرد.

شایان ذکر است که در جای جای این تالیف، ضمن بیان اعراب در وجه مشهور و اصلی و مختار در متن، بعضی وجوه مُحْتَمَل و مُرْتَبِط دیگر نیز، به زبان فارسی در پاورقی برای بهره‌سگران ذکر شده است و شرح اصطلاحات صرفی و نحوی و تعریف انواع جمله در حاشیه کتاب به دو زبان عربی و فارسی به صورت مختصر آورده شده است.

در این کتاب که شامل سوره‌های جزء ۱۳ و ۱۴ می‌باشد، روش مؤلف اعراب کل کلمات قرآنی است. بدین صورت که همه‌ی واژه‌های نورانی قرآن، اگر چه تکراری باشد از نظر صرفی و نحوی و همچنین همه عبارات هدایتگر از نظر نوع جمله، مورد بررسی قرار گرفته است. بنابراین، تحلیل صرفی و نحوی هر کلمه و یا نقش هر جمله به راحتی و با اطلاعات مشترک و برابر، در هر آیه در دسترس خواننده قرار گرفته است و از ارجاع به نمونه‌های مشابه قبلی خودداری شده است و برای هر واژه: اسم، فعل یا حرف، اطلاعات برابر

در کل آیات و با ترتیب مشخص و با حرکت گذاری کامل، برابر نمونه های زیر ارائه شده است و از آنجا که اسم و فعل دارای معنای مستقل است، این دو قبل از مشخصات صرفی و نحوی به زبان فارسی ترجمه شده است:

برای هر حرف، شش ویژگی صرفی و اگر حرف جر باشد هفت ویژگی به ترتیب زیر ارائه گردیده است:

قَدْ: حرف، حرف تحقیق، غیر غامِل، مَبْنِی، بِناوُهُ اَصْلِی، مَبْنِی عَلَی السُّکُون.

عَلِی: حرف، حرف جَز، مُتَعَلِّق بِفَعْلٍ قَبْلَهُ، غَامِل، مَبْنِی، بِناوُهُ اَصْلِی، مَبْنِی عَلَی السُّکُون.

برای اسم معرب ۱۰ نکته صرفی و ۳ نکته نحوی به ترتیب نمونه زیر ذکر شده است. اطلاعات صرفی و نحوی و نوع جمله یا دو خط ارب: // از هم جدا گشته اند:

الْحَمْدُ: اِسْم، اِسْمٌ مُصَدَّرٌ، مُفْرَدٌ، مُذَكَّرٌ، ثَلَاثِي مُجَرَّدٌ، مُنْصَرَفٌ، مُنْصَرَفٌ، ح م د، الْفَعْل، مُعْرَبٌ. // مُبْتَدَأٌ، مَرْفُوعٌ بِالصَّغَةِ

برای اسم غیر عربی تنها ۷ ویژگی صرفی و برای اسم عربی تنها ۱ ویژگی صرفی و برای طرف و اسم مبني ۱ ویژگی صرفی نوشته می شود، مانند:

مُوسَى: اِسْم، اِسْمٌ غَيْرُ عَرَبِيٍّ، مُفْرَدٌ، مُذَكَّرٌ، نَحْوُ // مَفْعُولٌ بِهِ اَوَّلٌ، مُنْصُوبٌ بِالْفَتْحَةِ الْمُقَدَّرَةِ.

أَلْفٌ: اِسْم، اِسْمٌ عَدَدٌ، مُفْرَدٌ، مُذَكَّرٌ، عَرَبِيٌّ. // مَقْرَبٌ فِيهِ، مُنْصُوبٌ بِالْفَتْحَةِ.

تِسْعَةُ عَشْرَةَ: اِسْم، اِسْمٌ عَدَدٌ، مُفْرَدٌ، مَوْثِقٌ. // بِناوُهُ غَارِظٌ، مَبْنِی عَلَی الْفَتْح. // مُضَافٌ إِلَيْهِ، مُجَرَّرٌ تَحْلًا.

يَيْنَ: اِسْم، ظَرْفٌ، مُعْرَبٌ. // مَفْعُولٌ فِيهِ، مُنْصُوبٌ بِالْفَتْحَةِ.

مَنْ: اِسْم، اِسْمٌ شَرْطٌ جَارِمٌ، مَبْنِی عَلَی السُّکُون. // مُبْتَدَأٌ، مَرْفُوعٌ بِمَنْ.

برای هر فعل مبني: ماضی و امر حاضر، ۱۲ ویژگی صرفی و برای فعل معرب مضارع و امر غائب، ۱۰ ویژگی صرفی به ترتیب زیر و مانند نمونه تقدیم شده است و نوع اعراب فعل ماضی نیز پس از بخش صرف مشخص شده است.

عَلِمَ: فَعْلٌ، فَعْلٌ مَاضٍ، لِلْغَائِبِ ۱، ثَلَاثِي مُجَرَّدٌ، مُنْصَرَفٌ، مُتَعَدٌّ، مَعْلُومٌ، ع ل م، فَعْلٌ، مَبْنِی، بِناوُهُ اَصْلِی، مَبْنِی عَلَی الْفَتْح. // فَاعِلُهُ الْاِسْمُ الظَّاهِر.

كَلَمُوا: فَعْلٌ، فَعْلٌ اَمْرٌ، لِلْمُخَاطَبِينَ ۹، ثَلَاثِي مُجَرَّدٌ، مُنْصَرَفٌ، مُتَعَدٌّ، مَعْلُومٌ، ا ك ل، غُلُوٌّ، مَبْنِی، بِناوُهُ اَصْلِی، مَبْنِی عَلَی خَذْفِ التَّوْن. // فَاعِلُهُ الصَّمِيرُ الْبَارِزُ "و". // الْجُمْلَةُ: اِسْتِثْنَائِيَّةٌ، لَا تَحُلُّ لَهَا مِنَ الْاِعْرَابِ.

تَنْبَتْ: فَعْلٌ، فَعْلٌ مُضَارِعٌ، لِلْغَائِبَةِ ۲، ثَلَاثِي مُزِيدٌ: اِفْعَالٌ، مُنْصَرَفٌ، مُتَعَدٌّ، مَعْلُومٌ، ن ب ت، تَفْعِلٌ، مُعْرَبٌ. // مَرْفُوعٌ بِالصَّغَةِ. // فَاعِلُهُ الْاِسْمُ الظَّاهِر.

لِيَضُم: فِعْلٌ، فِعْلٌ أَمْرٌ، لِلْغَائِبِ ۱، ثَلَاثِي يَجْزِدُ، مُتَصَرِّفٌ، مُتَعَدٍّ، مَعْلُومٌ، ص و م، لِيَقُلْ، مُعَرَّبٌ. // يَجْزُومُ بِالسُّكُونِ. // فَاعِلُهُ ضَمِيرٌ مُسْتَرٌّ خَوَازِمُ تَقْدِيرُهُ "هُوَ". // الْجُمْلَةُ: فِي تَحَلٍّ الْجَزْمِ، حَوَابُ الشَّرْطِ.

در ترجمه اسم و فعل تلاش شده است معنای واژه بدون توجه به ماقبل و مابعد آن و سیاق آیه موردنظر، ارائه گردد، از این روی به عنوان مثال حرف نفی تاثیری در ترجمه نداشته و فعل های منفی، مثبت معنا شده است.

همان گونه که در نمونه های بالا مشاهده شد، مرفوع هر فعل یعنی نوع فاعل یا نائب فاعل در فعل های تام و نوع اسم در فعل های ناقص، با یکی از گزینه های: ضمیر مستتر، ضمیر بارز، اسم ظاهر و یا مصدر مؤول ر مقارن خود فعل مشخص شده است.

نوع جمله، چه امری و چه کبری و چه جمله هایی که محلی از اعراب دارند و چه جمله هایی که محلی از اعراب ندارند، مابیل فعل اگر مرفوعش ضمیر است و یا در مقابل فاعل، نائب فاعل، خبر و یا معمول هایی مانند مفعول به، مفعول مطلق که فعل آن ها محذوف است معین می گردد. مانند این جمله اسمیه که خبر آن خود جمله ای دیگر است:

هُم: إِسْمٌ، ضَمِيرٌ مُتَّفَصِّلٌ مَرْفُوعٌ، مَعْلُومٌ، ثَلَاثِي يَجْزِدُ، مُتَصَرِّفٌ، مُتَعَدٍّ بِحَرْفِ الْجَزْمِ. // مَرْفُوعٌ تَحَلًّا.

يُوقِتُونَ: فِعْلٌ، فِعْلٌ مُضَارِعٌ، لِلْغَائِبِينَ ۳، ثَلَاثِي يَجْزِدُ، مُتَصَرِّفٌ، مُتَعَدٍّ بِحَرْفِ الْجَزْمِ. // مَعْلُومٌ، ي ق ن، يُفَعِّلُونَ، مُعَرَّبٌ. // مَرْفُوعٌ بِالثَّوْنِ. // فَاعِلُهُ الضَّمِيرُ الْبَارِزُ "ر". // الْجُمْلَةُ: فِي تَحَلٍّ الرَّفْعِ، خَبَرٌ. الْجُمْلَةُ الْكُبْرَى: مَعْطُوفَةٌ، لَا تَحَلُّ لَهَا مِنَ الْإِعْرَابِ.

امید است این خدمت قرآنی جدید، که برگرفته از مجموعه پژوهشی مصوب دانشگاه اصفهان به شماره ۹۲۱۱۱۱۱۸، و در سایت: [dar.info/earabolquran](http://www.dar.info/earabolquran) نیز قابل دسترسی است، کمکی در فهم و تدبیر کلام الهی و آشنایی با معارف قرآنی و رهگشای زندگی دنیا و دشتی باشد.

و اللَّهُ الْمُسْتَعَان

دانشیار گروه عربی دانشگاه اصفهان